

# نقش دولت در ایجاد بنگاه‌های بزرگ رقابت پذیر: تایوان

امیر هوشنگ فتحی زاده؛ استادیار موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی

## تبادل

یکی از سخنان روشن درباره اهمیت دولت در پیشبرد توسعه اقتصادی خاور دور را در نوشته‌های جیانگ کای شک رهبر حزب ناسیونالیست چین می‌یابیم که در سال ۱۹۴۷ در کوران نبرد خود با حزب کمونیست چین نوشت: «چین نمی‌تواند با کشورهای پیشرفته صنعتی رقابت کند. به همین دلیل، چین باید یک سیاست حمایت‌گرایانه در مورد تجارت خارجی و یک سیاست برنامه‌ریزی اقتصادی در مورد توسعه صنعتی خود داشته باشد. سرمایه‌داران خصوصی به تنهایی نمی‌توانند در مقیاسی گسترده فعالیت کرده یا به رقابت با تراست‌ها و بنگاه‌های دولتی کشورهای دیگر بپردازند.

در همین راستا در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، سیاست صنعتی تایوان بر جایگزینی واردات و توسعه صادرات در صنایع سبک کاربر تمرکز کرد. ولی در دهه ۱۹۷۰، سیاست‌های دولت به تدریج به سمت صنایع پایه و سنگین گرایش یافت و به عنوان جزئی از یک فرایند ادغام پیشینی، صنایع تولیدکننده کالاهای واسطه‌ای تأسیس شدند. این روند با مالکیت دولتی وسیع در سطوح بالای صنایع سنگین از جمله در زمینه تولید فولاد، کشتی‌سازی، پالایش نفت، تولید مواد شیمیایی، و تولید برق همراه بود. حتی در بخش‌هایی که بنگاه‌های دولتی در آنها سلطه نداشتند (مانند پلاستیک و منسوجات)، دولت در سال‌های اولیه بشدت در هدایت تولیدکنندگان خصوصی نقش داشت. از طریق مالکیت و مدیریت صنایع حیاتی بالادستی، و همچنین به وسیله اقدامات گوناگون دیگری مثل کنترل واردات، تعرفه‌ها، شرایط ورود، شرایط محتوای داخلی، و اعطای اعتبارات ترجیحی، دولت تایوان بشدت بر فعالیت بخش خصوصی تأثیر گذاشت. در اوایل دهه ۱۹۸۰، سه چهارم صادرات تایوان را محصولات مبتنی بر فناوری پیشرفته و متوسط و ۵۱ درصد از آن را محصولات با فناوری پیشرفته تشکیل می‌داد. بعداً، سیاست‌های تایوان به سمت حمایت غیرمستقیم و درنهایت به سمت خصوصی‌سازی گسترده سوق یافت. با این حال، باز هم یکی از اهداف جدی دولت را تغییر آگاهانه ساختار اقتصادی به سوی فعالیتهای با ارزش افزوده بیشتر با سرعتی بیش از آنچه از نظام بازار آزاد انتظار می‌رفت، تشکیل می‌داد. به عنوان نمونه، دولت پارک موسوم به «پارک علمی سینچو» ( Hsinchu Science Park ) را تأسیس کرد؛ برای سرمایه‌گذاری در صنایع پیشرفته، امتیازات مالیاتی قایل شد؛ و در اواسط دهه ۱۹۸۰، ۶۰ درصد کل هزینه‌های تحقیق-وتوسعه را پرداخت می‌کرد. در اواخر دهه ۱۹۹۰، بیش از ۸۰ درصد صادرات تایوان را محصولات

مبتنی بر فناوری تشکیل می‌داد. اقتصاددانان نئوکلاسیک، اقتصاد تایوان را تحت سلطه بنگاههای کوچک می‌دانستند. بنگاههای کوچک تایوان فعال و پرشور بودند، ولی این کشور بنگاههای بزرگ بسیار پویا و نیرومندی هم داشت. بنگاههای بزرگ تایوان از صرفه‌های مقیاس و تنوع بهره می‌بردند و این امر آنها را قادر می‌ساخت که به رقابت در بازارهای جهانی پرداخته و نهاده‌های واسطه‌ای را به طور کارآمدی برای صادرکنندگان دیگر تایوان فراهم سازند. خود دولت تایوان ساختار صنعتی خود را مبتنی بر تعامل بنگاههای بزرگ و کوچک می‌دانست: «رابطه نزدیک و تقسیم کار بین بنگاههای کوچک و متوسط از یک سو و بنگاههای بزرگ از سوی دیگر باعث ایجاد یک اقتصاد "هرمی" یا "خوشه‌ای" بسیار مستحکم از نظر ساختار صنعتی می‌شود که دستیابی به کاراییهای عملیاتی را میسر می‌سازد.»

در دهه ۱۹۷۰، شرکتهای بزرگ تایوان \_ شرکتهای دارای بیش از ۵۰۰ کارکن، نزدیک به ۵۸ درصد ارزش‌افزوده صنعتی این کشور را تولید می‌کردند (در مقایسه با ۵۳ درصد در کره جنوبی و ۴۹ درصد در آمریکا). در سال ۱۹۷۹، ۱۰۰ شرکت برتر تایوان ۴۴ درصد کل داراییهای صنعتی خصوصی را در اختیار داشتند. در دهه ۱۹۹۰، رشد سریع صادرات مبتنی بر فناوری پیشرفته تایوان مرهون شرکتهای نسبتاً بزرگ این کشور مثل «رایانه ایسر» (با درآمد ۵.۶ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۹)، «نیمه‌رسانای تایوان» (با درآمد ۱.۷ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۹)، و «شرکت کوانتا» (با درآمد ۱.۷ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۹) بود. در اواخر دهه ۱۹۹۰، بنگاه‌های صنایع سنگین نسبتاً بزرگ که اکثر آنها قبلاً دولتی بودند، مانند «فولاد چین» (با درآمد ۳.۳ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۹)، «محصولات شیمیایی فرمز» (با درآمد ۱.۳ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۹)، «پلاستیک فرمز» (با درآمد ۱.۴ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۹)، و «پلاستیک نانیا» (با درآمد ۴.۱ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۹)، ستون فقرات اقتصاد تایوان را تشکیل می‌دادند. بر اساس ارزش بازار، از میان ۱۰۰ شرکت برتر منطقه آسیا-اقیانوسیه (بدون ژاپن) ۲۶ شرکت به تایوان تعلق داشت.

جمهوری اسلامی ایران هم اکنون که هنوز به الزامات سازمان جهانی تجارت و نظام تجاری چندجانبه جهانی متعهد نگردیده است امکان تدوین سیاستهای خاص تجاری از قبیل کنترل واردات، تعرفه‌ها، شرایط ورود، شرایط محتوای داخلی، و اعطای اعتبارات ترجیحی البته هدفمند برنامه ریزی شود را دارد ضمن اینکه یکی از الزامات در جهت پیشبرد اهداف مذکور؛ حکمرانی خوب دولت است. نکته قابل ذکر آنکه پس از الحاق دسترسی به چنین سیاستهایی در تعارض و تضاد آشکار با مقررات و الزامات حقوقی آن سازمان خواهد بود. به دیگر سخن اینکه امروز عملاً به دلیل

عدم وجود اراده و عزم جدی این سد در مقابل سیاستهای تجاری ایران واقع شده و فردا نیز توسل به چنین گشایشهایی قانوناً ممکن نخواهد بود.



مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی